

بسمه تعالی

# بررسی مضامین عرفانی شعر خدائیه داراب افسر بختیاری

مؤلف :

علیرضا بهداروند

انتشارات ارسطو  
( چاپ و نشر ایران )

۱۳۹۴

سرشناسه : بهداروند، علی رضا، ۱۳۵۷ -  
عنوان و نام پدیدآور : بررسی مضامین عرفانی شعر خداییه داراب افسر بختیاری  
مشخصات نشر : مشهد: ارسطو، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۱۸ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۰-۲۱-۱  
وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر  
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۵۰۸۹

نام کتاب : بررسی مضامین عرفانی شعر خداییه داراب افسر بختیاری  
مؤلف : علی رضا بهداروند  
ناشر : ارسطو ( چاپ و نشر ایران )  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر  
تیراژ : ۱۰۰۰  
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴  
چاپ : مهتاب  
قیمت : ۶۵۰۰ تومان  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۰-۲۱-۱  
تلفن های مرکز پخش : ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

تقدیم بہ

امیر عارفان  
مولای متقیان  
وصی خاتم رسولان  
امام علی ابن ابیطالب

و تقدیم بہ سالار شہیدان  
حضرت اباعبداللہ الحسین

و تقدیم بہ روح پاک و جاودانہ مادرم  
خورشیدی کہ زود از آسمان زندگی ام  
غروب کرد

## فهرست

پیشگفتار .....	۵
مقدمه .....	۶
فصل اول: کلیات .....	۱۰
فصل دوم: زندگینامه و آثار داراب افسر بختیاری .....	۱۵
۱-۲ زندگی نامه داراب افسر بختیاری .....	۱۶
۲-۲ قواعد و اسلوب شعری داراب افسر بختیاری .....	۲۷
۳-۲ انواع شعری داراب افسر بختیاری .....	۲۸
۴-۲ نمونه هایی از اشعار داراب افسر به فارسی .....	۲۹
۵-۲ شعرو عرفان در ایل بختیاری .....	۳۱
۶-۲ برخی از شعرا و عرفای ایل بختیاری .....	۴۸
فصل سوم: مضامین عرفانی در شعر خداییه داراب افسر بختیاری ....	۵۹
۱-۳ قصیده خدائیه و ترجمه آن .....	۶۱
۲-۳ مضامین عرفانی قصیده خدائیه داراب افسر .....	۶۶
۳-۳ مقایسه شعر داراب افسر با حافظ و خیام و بیدل دهلوی .....	۱۰۸
فهرست منابع .....	۱۱۴

## پیشگفتار

داراب افسر بختیاری با سرودن قصیده خدائیه خود که در برگیرنده مضامین عرفانی می‌باشد به خوبی توانسته است برخی از آموزه های عرفانی شعر خدائیه را با عرفان اسلامی تطبیق دهد. اشعار داراب افسر از نظر ادبی و عرفانی دارای مضامینی است که در آن میان قصیده خدائیه دارای مضامین عرفانی بیشتری است که عظمت ذات باری تعالی را به زبان ساده روستایی و به روانی داستان موسی و شبان به نظم درآورده است. داراب افسر در این قصیده علت و فاعل همه چیز را خداوند دانسته و تمام موجودات را شئون الهی می‌داند که از خودشان موجودیت مستقلی ندارند بلکه معلول‌هایی هستند که تابع علت خود می‌باشند. چالش افسر با خدا در این قصیده رنگ سادگی و صداقت و خوش بینی و ایمان قلبی یک ذهن دور از تکلف را نشان می‌دهد و در برخی از اشعار وی که به نظر جبر از آن بر می‌آید. منظور داراب افسر شرح قدرت و نفوذ مشیت الهی و توجه دادن بندگان به احتیاج ذاتی شان به آفریدگار می‌باشد، تا از توجه و مددخواهی از او غفلت نوززند. این پژوهش گامی است در جهت معرفی این شاعر بزرگ ایرانی تا جلوه های عرفانی اشعار او به ویژه خدائیه را تبیین نمای دو اصالت و دلنشینی گویش بختیاری در این شعر با باورهای عرفانی عجین گشته و بسیاری از اصول جهان بینی عرفانی با بیان ساده و شیرین در این شعر تجلی پیدا کرده است.

## مقدمه

پژوهش از بهترین و مهمترین راههای شناخت انسانهایی است که در راهی قدم برداشتند تا آرمان هایی همچون زبان، وطن، اصالت، اخلاق و دین و مذهب را حفظ کنند. شاعران و عارفان از جمله کسانی هستند که در این مسیر پرچم دار و پیش قراول هستند و به همین علت نزد مردم از احترام خاصی برخوردار هستند. بعضی از آنها معروفیت خاصی دارند و مقبولیت بیشتری پیدا می کنند و برخی هم به دست فراموشی سپرده می شوند. معرفی و شناسایی این پهنه بی کران الهی و شناخت جلوه ها و نمودهای آفرینش و برخورداری آثار و تجلی حق تعالی از انسان گرفته تا طبیعت و همه موجودات اعم از جماد و نبات و حیوان از مهمترین رسالت های هنر، اندیشه، کلام و عرفان از وظایف و دغدغه های صاحبان خرد، اندیشه، اهل قلم و بیان است.

از این رو شناخت ناشناخته ها که گاه ممکن است اقلیم و سرزمینی بکر باشد و گاه ممکن است معادنی در دل طبیعت نهفته باشد و گاه ممکن است انسان هایی پاک، بی کینه، بی آرایش، در عین حال با ریشه و سرشار از نبوغ، باطبعی روان، موزون، لطیف، عاشقانه و عارفانه باشند. این رسالتی سترگ و مقدس است که بر عهده اهل علم و ادب این مرز و بوم می باشد تا در آغاز گوهرهای درون خویش را بکاوند و بیابند، آن گاه به معرفی و تبیین کاویدها و یافته های خود بپردازند تا زمینه بهره مندی و حظ دیگران را نیز فراهم آورند.

عرفان به عنوان شیرین ترین درون مایه ادبیات ما ایرانیان از دیر باز مورد توجه عارفان برخاسته از اقلیم بختیاری بوده است. عرفان عرفای بختیاری اغلب نشأت گرفته از دامنه

پر هیبت زاگرس است که همواره خاستگاه نبوغ و دین باوری مردمان والا همت، بلند طبع و صالحی بوده است که با تکیه بر فرهنگ مذهبی و قومی سر بلند و نستوه پیوسته در استحکام ریشه‌های اعتقادی و باورهای مذهبی خویش به حبل الله چنگ زده و سرافراز تر از قله‌های ایستای منطقه طریق نفوذ باورهای شیطانی و استعماری را سد کرده اند.

سرزمین بختیاری یکی از مناطقی است که در طول تاریخ ایران از نظر سیاسی و فرهنگی اهمیت زیادی برای دولت‌ها داشته است، مردم خواه ناخواه به جنگ‌ها کشانده می‌شدند اما در کنار همه این مشکلات و سختی‌ها هیچگاه از فرهنگ و شعر و ادب به دور نبوده، بلکه شعرا و عرفایی تربیت کرده و تحویل جامعه ادب پرور ایران داده است که اشعاری پر محتوا به زبان فارسی و گویش بختیاری سروده اند و مفاهیمی همچون ستایش پروردگار، وصف طبیعت، صلح و دوستی و عشق زمینی و عرفان را هنرمندانه به کار برده اند و باورها و ارزش‌های آرمانی مانند عدالت جویی، حق طلبی، آزادی خواهی، همبستگی‌های اجتماعی، مسائل فلسفی و عرفانی و... که از دیر باز در شعر ما مورد توجه و ستایش قرار گرفته اند، از جمله مضامین ارزنده ای هستند که در شعر شعرای سنت گرای معاصر نیز مورد توجه هستند. این شاعران نگاه انسان امروز را در شعر خویش منعکس نموده اند و بزرگان شعر و ادب ایران زمین با کلام استوار، عواطف سرشار و اندیشه‌های متعالی هر کدام سهم عظیمی در رشد و پیشرفت فرهنگ این مرز و بوم دارند.

فرهنگ غنی و پرباری که اصالت این سرزمین کهن و دیرپای را در برابر همه غارتگری‌ها و هجوم وحشیانه در طول تاریخ حفظ و مصون داشته است. از جمله مضامین فرهنگ ساز و غرور آفرین شعر ما ایرانیان توجه به ارزش‌های اخلاقی، انسان، احترام به حق و مضامین عارفانه است.

دغدغه اصلی بسیاری از شاعران و نویسندگان فضایل اخلاقی و انسانی و ستایش جامعه‌ای آرمانی است که در آن انسان با شرافت و با ایمان و آزادگی و آسوده از فقر و محرومیت و جهالت زندگی نماید. در شعر سنتی نمونه‌های بسیاری از این توجه به وجدان و شرافت انسانی، ستایش، آزادگی و نکوهش و خصایل ناپسند و غیر انسانی وجود دارد. از حماسه فردوسی، اشعار خرد گرایانه ناصر خسرو، پندارهای حکیمانه سنایی، سخنان پر

شور و نغز عطار و مولانا و اشعار گرانبهای سعدی و حافظ می‌توان این نمونه را اشاره کرد. با هر توصیف آثار ادبی و با هر کیفیت و ارزش علمی و تعلق داشتن به هر گروه و دسته‌ای قابل نقد و تحلیل اند و این نقد و تحلیل‌ها هیچگاه نباید از ارزش‌های ادبی و شخصیت صاحبان اثر بکاهد بلکه در جهت اصلاح و بهبود آثار بهتر و برتر به کار گرفته شود. زیرا که مولفان و آثار ادبی آنها در دوره و زمانه خویش دارای ارزش بوده و از آن جایی که جزء میراث ادبی گران قدر ما محسوب می‌شوند درخور اهمیت و احترام هستند و برای همه اهل علم و ادب ضروری است که از آن به نحو شایسته پاس داری نمایند. این آثار در اصل به عنوان یک معیار و محکی هستند که اکنون در دست ما قرار دارند.

بهترین شیوه در تبیین اجمالی گوهرهای ناب و اندیشه‌های بلند عرفانی آمیخته با تفکرات فلسفی زبان شعر حکمی و عرفانی است که به بهترین وجه می‌تواند مبانی اعتقادی و معارف الهی را در معرض شیفتگان ادبیات عرفان اسلامی قرار دهد، متون ادبی که از این شیوه در میان معارف اسلامی استفاده کرده و برگرفته از سرچشمه آیات و روایات و حکمت و عرفان اسلامی است در ادبیات ما اندک نیست بلکه پر مایه ترین و جاودانه ترین متون ادب فارسی متون عرفانی و حکمی هستند. از این جهت است که اندیشه‌های بدیع فرازمانی که با صبغه وحدت وجود به توجیه هستی و انسان و رابطه آن دو با خدا پرداخته و با حکمت ذوقی در آمیخته اند برای همیشه بر تارک زمان و بر فراز دوران درخششی چشمگیر داشته و خواهند داشت.

زبان شعر حکمی و عرفانی عالی ترین و زیباترین شیوه در تبیین هستی است. از جمله این متون که در آن مهمترین مسائل هستی شناسی، انسان شناسی و شناخت شناسی با مبانی حکمی و عرفانی به شیوه ای بدیع مطرح گردیده و از دیر باز مورد توجه علاقه مندان به ادبیات حکمی و عرفانی بوده است و ادبیات ما مجموعه ای گسترده از علوم و معارف اسلامی است که آن گستردگی و جامعیت حتی در ادبیات عرب هم که با قرآن زبان مشترک دارند یافت نمی‌شود. به همین دلیل معانی ادبیات فخیم فارسی بدون دریافت اشارات و تلمیحات قرآنی آن قابل درک و استفاده نمی‌باشد.

شاعران سرزمین ما به دلایل بسیار از جمله مسائل اجتماعی و اعتقادی و تأثیرگذاری

بیشتر و بهتر بر مخاطب خود به مضامین عرفانی و قرآنی توجه ویژه داشته اند و از آن به عنوان یک منبع غنی اندیشه و هنر آسمانی استفاده و آثار خود را از آن سرشار کرده اند که از آن میان داراب افسر بختیاری از این کتاب مقدس در دیوان شعری اش استفاده بجا و بحق کرده است که در میان تمام شاعران در سرزمین بختیاری کم نظیر است.

مضامین فلسفی و عرفانی و اصطلاحات عرفانی در واقع موجب زیبایی کلام شاعر و خالق اثر می‌شود و به همین علت است که این مباحث از همان ابتدا مورد توجه و اقبال مردم و خاصه اهل ادب قرار گرفته و شعرا در بسط و توسعه هر چه بیشتر این مضامین و مباحث سعی نمودند. از آنجایی که آثار ادبی ما، در هر مرتبه ای از علم و دانش و یا متعلق به هر کدام از بزرگان و نویسندگان ما که باشند نیازمند تحلیل و تشریح و نقد و بررسی است و این امر نیز گره هایی را برای اهل تحقیق باز می‌کند.

یکی از راههای تحلیل آثار ریشه یابی اصطلاحات و مقامها و مضامین عرفانی در آن آثار است که در این اثر به عنوان مضامین عرفانی در قصیده خداییه داراب افسر بختیاری به مسائلی از این مضامین فلسفی و عرفانی اشاره شده است.

اشعار این شاعر شوریده بختیاری آمیزه ای از جلوه‌های زندگی، اندیشه‌های والا، مضامین عرفانی، احساسات میهن پرستانه و عشق به سرزمین بختیاری است که نمود آن را در شعرهای رستاخیز، خداییه، همیلا و کلاریه به درستی می‌توان دید و علاقه وافر خود را به مولایش حضرت علی بن ابیطالب در شعر عمرویه که بعد از قصیده خداییه از شاهکارهای مسلم شعر به زبان بختیاری است را نشان داده است و داراب افسر بختیاری بسیار مهربان، خوش سخن و نیک رفتار بود، محضرش شوری داشت و کلامش گرمی خاص. برای سخاوت و بخشش به دیگران حد و مرزی نمی‌شناخت.

## فصل اول:

---

## کلیات

---

پیش از آنکه برگهای زرین تاریخ شعر و ادب ایران را به سوی گذشته‌های دور و روزگاران کهن ورق بزیم بیان این حقیقت لازم است که به گواهی تاریخ شعر در جهان، یا بهتر بگوییم همین تاریخ دیرین و ارزنده و درخشان شعر فارسی نمادی از فرهنگ کلی ما را در بر گرفته است. باید بگوییم که هیچگاه شعر نتوانسته است از تأثیر آنچه پیرامون شاعر می‌گذرد دور بماند، زیرا شعر راستین و ناب، بیان آهنگین و دل‌پذیر اندیشه لطیف شاعران است و اندیشه شاعر جز عوامل رنگ پذیرفته محیط زندگی و واکنش خیال بلند پرواز او در مقابل تأثیر این عوامل چیز دیگری نیست، به همین دلیل است که با مختصر دقتی در اشعار هر زمان می‌توان چگونگی وقایع تاریخی، دینی، اجتماعی، حتی زندگی اقتصادی مردم را گهگاه دریافت. به بیان رساتر باید گفت شعر آینه‌گوی اندیشه شاعر است که نقش‌های گوناگون زمان‌ها را باز می‌نماید به این ترتیب تردید نیست پدیده بزرگی مانند عرفان با آن کمال و برجستگی که دارد عروس شعر فارسی را سخت زیر تأثیر گرفته و از پرند زیبای وجود خویش جامه‌ای لطیف برای آن ساخته و صدها بار بر جلوه و درخشندگی اش افزوده است. ولی از آن‌گاه که شکل‌پذیری شعر فارسی به گونه ویژه خود آغاز شد، نمود اندیشه‌های این‌چنینی در شعر فارسی پیشی گرفت و در حقیقت از قرن چهارم و پنجم به بعد عرفان با شکل ویژه خویش و به مناسبت سیر تکامل آن در سروده‌های موزون زبان فارسی و گویش‌های محلی با شکفتگی بیشتری تجلی کرد و این شعرها که برای بیان مفاهیم عرفانی به ترکیب و پیوستگی تازه واژه‌های خاص نیاز داشت به ویژه در غزل و قصیده و مثنوی دگرگونی گسترده‌ای یافت، تا آنجا که این دگرگونی مایه رنگ‌پذیری شعر و سرشاری آن از مفاهیم عرفانی شد و بخش سترگ و

درخشانی از ادبیات عرفانی را در شعر رپدید آورد. بررسی محتوای اشعار شاعران کشور بیان کننده ویژگی‌ها و روند شکل‌گیری توسعه و خلاقیت در کشور ماست و هر نقطه از کشور ما به تناسب اوضاع فرهنگی و اجتماعی خود در بردارنده مضامین اختصاصی و عمومی است که در شعر آن پدیدار است و شعر عرفانی در سرزمین بختیاری رونق چشمگیری داشته است و چند تن از شاعران آثاری گران سنگ خلق کرده‌اند و به قدر فهم خود ادراک قرب به حق کرده‌اند. اخلاص و اعتقاد شعرای دیار بختیاری به همراه شعور شعری والایی که دارند، جان مایه سرایش اشعاری پر محتوا و مملو از مضامین اخلاقی و عرفانی گردیده است. دین اسلام و مذهب شیعه به خصوص ارادت خاصی که شعرای سرزمین بختیاری به مولا امیرالمومنین (ع) دارند باعث پدید آمدن آثاری است که همگی ترجمه حال دل‌اند، می‌توان گفت شاعرانی در ملک سخن عارفانه پرورش داده که یکایک تابعان مقام سلطانی‌اند. تکیه‌گاه اصلی‌اند. ذوق و احساسات شعرا، رموز عشق، طبیعت، نکات عرفانی و اخلاقی و معاد و... است. اگر چه در شعر عارفانه شعراء سعی بر آن دارند تا معنی مهم باشد نه لفظ و بیشتر از آنکه به صناعات ادبی توجه داشته باشند به مضامین و معانی عرفانی می‌پردازند. با این حال شعرای این سبک به رموز ادبی پای بند‌اند که در این صورت به گونه‌های بسیار ساده در بعضی از سروده‌های شاعرانی که به گویش محلی شعر سروده‌اند به مضامین عرفانی و فلسفی که محتوای عمیقی را در بر دارند مشاهده می‌کنیم، که در این زمینه «داراب افسر بختیاری» یکی از شعرای مهم ایل بختیاری است که شهرت او نه تنها در بین بختیاریه‌ها چشم‌گیر است بلکه در بین فارسی‌زبانان نیز شهرت او زبانزد است. اشعار او از نظر ادبی و عرفانی دارای مضامین بلندی است. از جمله آنها شعر «خدائیه» را می‌توان نام برد که دارای مضامین عرفانی است و عظمت ذات باریتعالی را به زبان ساده روستایی و به روانی داستان موسی و شبان به نظم در آورده است و این پژوهش گامی است در جهت معرفی این شاعر بزرگ ایرانی که جلوه‌های عرفانی اشعار او - بویژه خدائیه - را تبیین نماید و اصالت و دلنشینی گویش بختیاری در این شعر با باورهای عرفانی عجین گشته و بسیاری از اصول جهان بینی عرفان با بیان ساده و شیرین در این شعر تجلی پیدا کرده است.

به عنایت به اینکه هیچ پژوهشی در زمینه مضامین عرفانی این شعر انجام نگرفته، نتایج آن می‌توان مفید و زمینه ساز تحقیقات دیگر شود، از جمله مضامینی که در این شعر بکار رفته مبحث وحدت وجود، تجلی، وحدت تجلی، سر قضا و قدر، جبر و اختیار، فاعلیت خداوند، قائمیت به ذات، تمثیل است و مسائل قابل پی‌گیری در این تحقیق عبارتند از میزان آشنایی داراب افسر با جهان بینی عرفانی، میزان تأثیر پذیری او از عرفا و چگونگی طرح مضامین عرفانی در اشعارش بویژه در شعر خدائیه.

عرفان ریشه در اندیشه انسان و قدمت آن به اندازه قدمت عمر بشر خاکی است. انسانهای اولیه و غارنشین به هنگام تماشای آسمان و ماه و خورشید و مشاهده پدیده‌های طبیعی طوفان و برف و باران، بطور غیر مستقیم پی به حقارت وجود خود در برابر کاینات برده و در مقایسه عظمت قدرت طبیعت با نیروی جسمانی اندک خود تسلیم این اندیشه و نظریه می‌شدند که دست یک قدرت فائقه‌ای در کار است. این همان مبدأ تولد عرفان و گام اول شناخت عامل خلقت و معمار کاینات است. آنها برای شناختن این مرکز قدرت سالیان دراز به بالای سر خود نگاه می‌کردند و هزاران سال محو قدرت خورشید و ستارگان آسمان بودند. کسی چه می‌داند چقدر طول کشید، شاید هزاران سال، تا اینکه بشر به نعمت خواندن و نوشتن دست یافت و توانست مکونات قلبی و نتیجه افکار فلسفی و اندیشه‌های عرفانی خود را به صورت دست نوشته‌هایی از خود به یادگار گذارد. از آنجا که بختیاری با داشتن خصوصیات همانند قناعت و روح آزادگی و عشق به خدای یگانه می‌توان با پیدا نمودن این ریشه اصیل عرفانی و تبدیل آن به سجایای اخلاقی به ترویج و تزریق به کل جامعه امروزه همت گماشت و شعرای بختیاری توانستند در زمینه عرفان اشعاری بسرایند که بعضی از آنها اشعار را بصورت گویش بختیاری سرودند که به علت محدود بودن گویش‌ها چندان شناخته نمی‌شوند هر چند که شعرشان سرشار از فصاحت و بلاغت ادبی است. در صورتی که خطه بختیاری دارای شعرا و عرفای والا مقامی است که همین محدودیت باعث ناشناخته ماندن آنها شده است که نمونه بارز آن مرحوم داراب افسر بختیاری است که با شعر خدائیه خود توانسته در زمینه عرفان به گویش بختیاری بسراید که این اشعار از اهمیت بالایی برخوردار است و با این توصیف که عرفان به عنوان شیرین‌ترین درون

مایه ادبیات ما ایرانیان از دیر باز مورد توجه عرفای برخاسته از سرزمین بختیاری بوده است و قوم بختیاری مهد زیباییها و دیار فرهنگ و ادب سرزمین مجابت‌های برهنه است که این مفاخر، هنرمندان و بزرگمردان را به جامعه علمی بشناسانیم و داراب افسر اگر چه به ظاهر مدارک و تحصیلات عالی ندارد اما از یک قریحه و ذات و استعداد الهی بهره‌مند بوده و توانسته است اشعاری بسراید که دست کمی از دیگران نداشته و شعر ایشان دارای ویژگی‌های خاص است و به جهت دارا بودن مضامین عرفانی و فلسفی بیشتر مد نظر ماست که با این گویش بسیار شیرین توانسته مضامینی از عرفان و مباحث عرفانی، فلسفی در اشعار خود استفاده کند و این نکته که ایشان دارای سواد آنچنانی نبوده تعجب همگان را برانگیخته که چگونه توانسته از این مضامین عرفانی و فلسفی و حتی آرایه‌ها و صنایع ادبی در شعر خود استفاده نماید و این نکته‌ای است که جای بسی تحقیق و تفحص دارد و ما را نسبت به اهمیت موضوع و ضرورت تالیف برانگیخته است تا بتوانیم ضرورت آن را به جامعه علمی و دانشگاهی معرفی نماییم.

## فصل دوّم

---

# زندگی نامه و آثار داراب افسر بختیاری

---

## ۲-۱- زندگی نامه داراب افسر بختیاری

داراب افسر بختیاری فرزند اصلان از طایفه احمدخسروی زراسوند بختیاری است. مادر بزرگ داراب افسر خواهر حسین قلیخان ایلخانی و مادر خود داراب افسر دختر حسین قلیخان ایلخانی است، داراب افسر در سال ۱۲۷۹ شمسی در چقاخور بختیاری در استان چهارمحال بختیاری متولد شد و از سال ۱۳۲۰ شمسی مقیم اصفهان گردیدند.

در باره اجداد داراب افسر حکایتی است که می‌گویند جد او حیدر خان نام داشته و از طایفه پاپی لرستان و معاصر صفویه بوده است که به علت شکست در جنگهای محلی ناگزیر به طور ناشناس به چقاخور مرکز حکومت نشین بختیاریها مهاجرت کرد و بعنوان پیش خدمت در طایفه خدر سرخ زراسوند بختیاری در آمده است و بدون آنکه خود را معرفی کند سالیانی را در خدمت خوانین ایل بختیاری گذرانده و چون لیاقت و شجاعت خاصی از خود نشان داده بود دختر خان بختیاری را به زنی گرفته و پس از هفت سال طرفداران خاندان او که دشمنان را سرکوب کرده بودند به جستجوی او به سمت بختیاری آمدند تا او را به لرستان بر گردانند و به مقام ریاست ایل برگزینند. ولی او دعوت آنها را نپذیرفت و در بختیاریها ماند تا درگذشت و از او دو پسر باقی ماند که سلسله احمد خسرویها و ایلخانیها از آن دو نفر منشعب گردیدند.<sup>۱</sup>

---

۱. دیوان داراب افسر بختیاری، ص ۷

شخصیت داراب افسر از زبان دخترش خانم معینه افسر: من در میان فرزندانم به او نزدیکتر بودم و بیشترین وقت را با او سپری کردم، به پدر نزدیک تر از آن بودم که بتوانم آنچه را دیده ام و با وجود و خونم در زندگی خواب گونه دوران نوجوانی ام آمیخته بوده، از وجودم بیرون بریزم و بصورت کلمات بر صفحه کاغذ جاری سازم، پدرم قبل از آن که بختیاری و ایرانی باشد، قبل از آن که یک مرد، یک همسر یا پدری بی نظیر باشد، که همه اینها را در حد کمال دارا بود، یک انسان بود. انسانی والا با همه فضایل انسانی، با قلبی پر از عشق به انسان ها، با روحی به پاکی اندیشه های کودکان، با گرایشی دیوانه وار به نیکی کردن، احسان نمودن و از خودگذشتن. پدر مردی بود که با همه قدرت و مردانگی اش در رنج دیگران و غم و سوگشان با صدای بلند می گریست و من خود این را بارها شاهد بودم، او تمام زندگی اش حتی سال های آخر عمر در بخشش و انفاق به دیگران خلاصه می شد. آنچه را که داشت در مقابل چشمان تحسین آمیز مادر و نگاههای حیرت زده اطرافیان و برق دیدگان غرور آمیز فرزندانم بخشید و بخشید، میراثی که برای فرزندانم باقی گذاشت، خاطراتی پر ارزش از مردانگی و انسانیت و آثار ادبی اش بود. چنین میراثی بس مایه فخر و مباهات ماست، در حقیقت میراثی است که برای تک تک افراد بختیاری باقی مانده است. شرح فداکاری های او پس از سالیان سال هنوز در ذهن مردم افسانه وار به جای مانده است، پدر از تحصیلات کلاسیک برخوردار نبود ولی وجودی بود با هوشی سرشار و مطالعاتی بسیار، حافظه ای باور نکردنی و ذوقی بی همتا، سخن ور و سخنرانی بسیار مسلط و با نفوذ بود، من خود شاهد بعضی سخن رانی های او بودم که در هنگام سخنرانی، شنوندگان مانند مجسمه هایی بر صندلی هایشان میخ کوب بودند، و در پایان همه به پا می ایستادند و برایش ابراز احساسات می کردند. آن گونه که شنیده ام روزی در مجلسی وارد شد که ملک الشعرا بهار شاعر معروف و وزیر فرهنگ وقت هم در صدر مجلس نشسته بودند. جمعیتی انبوه از دانشمندان و فضلا و شعرا جمع بودند، ملک الشعرا بهار بادیدن پدر بر پای خواست و دست او را گرفت و با احترام بر جای خود نشاند، او در مقابل حیرت مدعوین شروع کرد به تعریف و تمجید از جایگاه پدر و گفت اولین کسی که بهترین اشعار به زبان بختیاری سروده است داراب افسر بختیاری بوده است. گفت کاری که فردوسی در زبان فارسی کرد داراب افسر در زبان بختیاری انجام داد. پدر اطلاعاتش در علوم مختلف حیرت انگیز بود، بویژه در رشته تاریخ، خودش اهل

تاریخ و سخنگو و ناطق بود که هر واقعه تاریخی را با تمام جزئیات و با ذکر تاریخ واقعه و با ذکر این که این اتفاق را کدام تاریخ نویس به چه شکلی و چگونگی استناد آن تحریر کرده است. به جغرافی و علوم فضایی و ریاضیات علاقه ای وافر داشته و مطالعاتی فراوان، طراحی او مخصوصاً از روی طبیعت زنده و حیوانات بسیار تحسین برانگیز بود، ایمان کامل به خداوند بزرگ و عشق عجیبش به مولای متقیان علی (ع) در تمام زندگی با خون او آمیخته بود و هنگامی که پدر در سن ۵۸ سالگی در اثر سگته مغزی فلج شد مردم روز به روز به عیادت او می آمدند و همه بزرگان آن زمان، هنرمندان و دانشمندان و شعرای معروف درویشانه نشستند در کنار بستر او را افتخاری می شمردند، اصلاً همین دیدارها تنها انگیزه و شوق زیستن پدر بود، اما به تدریج و رفته رفته مردی که ستاره درخشان محافل و مجامع بود در اثر دور بودن از اجتماع به فراموشی سپرده شد. عیادت کنندگان روز به روز کمتر و کمتر می شدند، از طرفی کم کم غباری از فراموشی بر آن مغز درخشان و فعال پاشیده شد، تنهایی، انزوا و رنج از پای افتادن و مصرف قرص های خواب آور به حدی بود که در پنج سال آخر عمر فراموشی مطلق به اودست داده بود، دیگر کسی را نمی شناخت و بجز چند خاطره و خواب عرفانی چیزی به یاد نداشت، در تنهایی و انزوای پدرم تنها یک نفر بود که هرگز بستر بیماری او را ترک نکرد و همواره در کنارش باقی ماند، او زنی فداکار یعنی مادرم بود، در آخر عمر فقط به زبان بختیاری سخن می گفت، گویا در غبار خاطرات فراموش شده اش به نحوی به دوران کودکی اش رجعت داده شده بود. پدر در سن ۷۲ سالگی در یک غروب غم انگیز پاییزی در سال ۱۳۵۰ شمسی درگذشت و او را در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپردند. روانش شاد!

داراب افسر بختیاری از سن سی سالگی شروع به سرودن شعر کرده و اولین شعر ایشان به زبان و لهجه بختیاری شعر ملی و جالبی است که به نام رستاخیز مسجد سلیمان آن را موسوم ساخته و از لحاظ وضوع و ابراز احساسات ملی بهترین نمونه افکار وطن پرستانه داراب افسر بختیاری می باشد، محضر داراب افسر بختیاری بسیار شیرین است و وقتی خود او اشعار لری را که سروده، می خواند روح خاصی دارد که اگر آن اشعار را کسی در کتاب بخواند لذت آن را درک نمی کند، متأسفانه امروز بیش از هزار و پانصد بیت از

اشعارش را محفوظ نداشته و بیش از همه اشعار قسمتی که مورد علاقه شخصی اوست مدحی است که با خلوص نیت نسبت به حضرت علی علیه السلام سروده و نیز اشعار موسوم به عمرویه را که به زبان بختیاری است بسیار دوست دارد.

دارب افسر نیمی از اشعار خود را به زبان فارسی و نیمی دیگر را به گویش بختیاری سروده است، وی در قالب‌های غزل، قصیده، قطعه، دوبیتی و... طبع شیرین و دلکش را بکار گرفته است و در همه این قالب‌ها به خوبی از عهده برآمده است و بر اشعارش کاملاً مسلط است، کمتر دچار تنگی قافیه شده و به راحتی با نظم به جای کلمات صحنه را برای خواننده تصویر نموده است و این بزرگترین هنر اوست. نخستین چهره در سرایش اشعار بومی که آثار کامل او در برابر چشمان خوانندگان قرار گرفت داراب افسر بختیاری بود که در سال ۱۲۷۹ هجری شمسی در چغاخور در دامنه کوه سر سبز و شاداب کلار دیده به جهان گشود و شعر و شاعری را از دوران نوجوانی آغاز نمود. دیوان داراب افسر در سال ۱۳۴۴ در اصفهان در چاپخانه مشعل چاپ و منتشر گردید و خیلی‌ها بر این باورند که وی پایه گذار شعر اصیل و بومی بختیاری است<sup>۱</sup>.

اشعارش روان و پر معنی است، در جایی طنز و در جایی دیگر عرفان حلاوت و شیرینی خاصی به آنها داده است. وقتی با خدا خود راز و نیاز می‌کند خود را فراموش کرده و کمال را در وصال باریتعالی می‌یابد:

ای که روزی همه خلق ز انبار تونه آسمونها وزمین کرده کردار تونه  
(ای کسی که رزق و روزی همه مخلوقات از جانب توست و آسمان‌ها وزمین آفریده تو هستند)

و داراب افسر در مدح حضرت علی علیه السلام چنان است که قلبش مالا مال از عشق اوست و او علاقه بسیاری به خاندان نبوت و امامت دارد و مدیحه‌های زیبایی که برای حضرت علی(ع) سروده شده موید این مطلب است:

۱. دیوان داراب افسر بختیاری، ص ۱۴

هر مدح که گویم مقام تو شود کم  
جز آنکه بگویم علی صاحب عالم  
عشق تو یکباره زدودست زد غم  
زبید که از این عشق کنم فخر به عالم  
امشب قلندران همه گویند یا علی  
امشب توانگران همه گویند یا علی  
یا در ابیات دیگر می گوید:

روزی که به عالم نه زمین و نه سماء بود  
نه گنبد گردنده گردون سرپا بود  
آن روز علی بود نگوید چرا بود  
چون ذات علی آینه ذات خدا بود  
آن آینه چرخید و جهان گشت مصور  
تایید به خورشید، فلک گشت مصور  
و غزلیات داراب افسر سرشار از مایه عرفان است:

چو رمز عشق نخواندی دگر چه می دانی  
که غایب از نظر ما همیشه در نظر است

و اجنبی پرستان را رسوا می کند و فریاد وحدت سر می دهد: در قصیده عروس وطن  
با تجسم چهره کربه نفاق، وطن فروشان

مثل فلانی که شده کاسه لیس  
بند قبایش بود از انگلیس  
دستکشش مال پروسی بود  
پای چپش چکمه روسی بود  
زلف همی کند وهمی داد باد  
زد به سروگفت کنید اتحاد

قصاید عمرویه و خلفیه و..... آگاییهای تاریخی - مذهبی وی را می‌رساند زیرا اگر او  
خود آگاهی نداشت نمی توانست چنان زیبا صحنه آرایبی کند و عشق و علاقه خود و  
مردم سرزمین بختیاری را به ولایت امیر مومنان حضرت علی علیه السلام بیان نماید.  
در این شعر ضمن نبرد امام علی علیه السلام و عمروبن عبدود به داستان‌های حضرت آدم  
و داستان حضرت موسی علیه السلام می‌پردازد این حماسه‌های دینی با رجز خوانی‌های  
زیبایی که بین عمرو و امام علی علیه السلام اتفاق می‌افتد و از لغات پر طمطراق گویش  
بختیاری استفاده می‌کند یک حماسه دینی کم نظیر است.